



TAADOL NEWSPAPER
WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تاریخ خبر: یکشنبه ۱۳۹۵/۰۶/۲۸

کد خبر: ۵۱۵۸۹

قدم آخر را اول برداریم

تحلیل محمد بحرینیان از نقش اقتصاد دانش‌بنیان در سند توسعه‌ای کشور

وقتی مراحل اول توسعه را طی نکرده‌ایم، ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان به چه سرانجامی می‌رسد؟

گروه اقتصاد کلان | الهام آبابی |

هر چند ایران از منابع متعددی برخوردار است اما بررسی روند اقتصادی کشور طی سالیان متمادی نشان می‌دهد از این منابع آن‌گونه که باید و شاید بهره‌برداری نشده است. در حقیقت اگر ایران را در مسیر توسعه بررسی کنیم، به وضوح درمی‌یابیم که به پیش‌نیازهای هر یک از مراحل توسعه توجه کافی صورت نگرفته و همین امر سبب شده تا با وجود مصرف کردن منابع، خروجی مطلوب حاصل نشود. در این میان، درحالی‌دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان در دنیای امروز مورد توجه قرار گرفته است که این هدف‌گذاری در آخرین مرحله توسعه‌یافتگی جوامع طبقه‌بندی می‌شود این درحالی‌است که ایران در مسیر توسعه‌یافتگی در خوشبینانه‌ترین حالت در میانه راه قرار دارد. در این رابطه محمد بحرینیان عضو هیات نمایندگان اتاق مشهد با تشریح مراحل توسعه، این‌گونه عنوان می‌کند که خلق دانش و دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان در حال حاضر در ایران میسر نیست چراکه این عنصر در آخرین مرحله توسعه‌یافتگی قرار دارد و ایران تا وقتی مراحل پیشین را طی نکرده است، نمی‌تواند به خلق دانش دست یابد. به عقیده بحرینیان، هدررفت منابع ایران طی سال‌های متمادی به علت فقدان کارآفرینان نوآور و کپی‌برداری از یک ایده اولیه بوده است که جلوی جمع‌بندی دانش را گرفته است؛ عنصری که دستیابی به یک جامعه پسا صنعتی و پیشرفته را میسر می‌کند. با این حال، ایران امروز در مرحله در حال توسعه قرار گرفته است و برای حرکت به سمت مراحل بعدی به کارآفرینان نوآور و خلق دانش و اطلاعات نیاز دارد. مشروح سخنان محمد بحرینیان در نشست تخصصی «توسعه‌یافتگی و الزامات دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان» را در ادامه می‌خوانید.

با مسیری که در حال حاضر طی می‌کنیم، نمی‌توانیم به اقتصاد دانش‌بنیان برسیم. اما چرا ایران نمی‌تواند با مسیر فعلی به اقتصاد دانش‌بنیان دست پیدا کند. یکی از لوازم دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان دسترسی به منابع است. بنابراین در درجه نخست این سوال مطرح می‌شود که آیا منابع در ایران کم داشتیم؟ آماري که از سال ۱۳۳۸ تا پایان سال ۹۴ جمع‌آوری کرده‌ایم، نشان می‌دهد که درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز ایران در این بازه زمانی ۱۳۷۷ میلیارد دلار بوده است. بر مبنای مستندات متعدد، طی این سال‌ها صادرات پتروشیمی ۹۶ میلیارد دلار بوده است. صادرات سایر کالاهای غیرنفتی هم ۱۸۱ میلیارد دلار بوده است و به‌طور کلی در این سال‌ها ۱۶۸۶ میلیارد دلار در اختیار ایران قرار گرفته است. در همین حال، غیر از نفتی که صادر می‌شود، باقی آن نیز به اقتصاد تزریق می‌شود اما تعداد کمی از اقتصاددانان تا به حال به این بخش از نفت پرداخته‌اند. این مقدار نفت یا در قالب فرآورده‌های نفتی است یا در قالب سوخت منازل، نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها یا در قالب خوراک پتروشیمی. بنابراین این بخش هم باید معادل‌سنجی شود. براساس دو منبع می‌توان در این رابطه اطلاعات کسب کرد؛ بانک مرکزی و ترازنامه انرژی وزارت نیرو. ترازنامه انرژی وزارت نیرو تا سال ۹۲ تهیه شده است بنابراین سعی کردیم همه داده‌ها را بر آن اساس بسنجیم. با محاسبات مختلف اعداد مربوطه حاصل شده است که ارزش نفتی را که بعد از صادرات داشته‌ایم، نشان می‌دهد و تایید می‌کند که ارزش دلاری این نفت به‌شدت در حال افزایش است. آمارهای جمع‌آوری شده نشان می‌دهد از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۹۴، به میزان ۲۵۷۴ میلیارد دلار در اختیار ایران قرار گرفته است، البته اگر استنادات بانک مرکزی را مبنا قرار دهیم.

در همین حال، از برنامه اول توسعه پس از انقلاب، ۲۱۵۷ میلیارد دلار یعنی ۸۳ درصد منابع را در اختیار داشتیم. اگر این محاسبات را با مبنای ترازنامه انرژی انجام دهیم، این مبلغ ۳۰۱۹ میلیارد دلار خواهد بود. ارزش دلاری مصرف هم ۲۶۲۵ میلیارد دلار به دست می‌آید که البته این ارقام تا سال ۱۳۹۲ است. در این رابطه هم اگر برنامه اول توسعه را مبنا قرار دهیم، ۸۶ درصد منابع را در این اقتصاد تزریق کردیم. اما آیا این تنها منابع بوده است؟ متأسفانه خیر. ما از منابع خارجی هم در چند قالب استفاده کرده‌ایم. بدهی‌های خارجی یعنی وام‌هایی که بانک جهانی و IMF در اختیار ما قرار داده است و جریان ورودی خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که در اختیار کشور قرار گرفته و قابل بازپرداخت هم نبوده است. این نشان می‌دهد ما متجاوز از ۳ هزار میلیارد دلار در کمترین حالت و ۴ هزار میلیارد دلار در بیشترین حالت، منابع در اختیار داشته‌ایم. این در حالی است که کشوری همچون کره جنوبی، یک‌چهارم این منابع را استفاده کرده است. مالی یک‌ششم این منابع را استفاده کرده و چین با این عظمت دو برابر این منابع را استفاده کرده است. اما وقتی به شاخص‌های دیگر نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در نقطه‌ی گیر داریم. یکی از این شاخص‌های مهم در این رابطه سرانه تولید ناخالص داخلی است.

با توجه به منابع عظیمی که طی این سال‌ها در اختیار ایران قرار داشته است و با توجه به رقم تولید ناخالص داخلی ایران، این سوال در ذهن ایجاد می‌شود که اثر این منابع چه بوده است؟ متأسفانه بررسی روند تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های یادشده نشان می‌دهد که GDP ایران حتی نتوانسته است یک روند با شیب مثبت داشته باشد. درست است که در بررسی روند تولید ناخالص داخلی سایر کشورها هم یک نوسان مشاهده می‌شود اما شیب مثبت است. وضعیت ایران در حوزه تجارت جهانی هم قابل توجه است. براساس آمار، ایران از تجارت جهانی ۰,۳۸ درصد سهم دارد. حال اگر از این رقم ۰,۳۲ درصد سهم نفت را هم جدا کنیم، سهم ایران از تجارت جهانی تنها ۰,۰۶ درصد است. بنابراین در برابر حجم عظیم تجارت جهانی هیچ نیستیم. این در حالی است که منابع عظیمی در اختیار این کشور قرار گرفته است. در همین حال بزرگ‌ترین موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک در اختیار ایران قرار گرفته و نتوانسته‌ایم از آن استفاده کنیم.

نظریه «روستو» برای توسعه کشورها ۵ مرحله تعریف کرده است. تجربه کسانی که مرحله فلاکت را گذرانده‌اند، مثل مالزی، کره جنوبی، سنگاپور، تایوان، مالزی و چین نشان می‌دهد آنها فهمیده‌اند توسعه به طی کردن مراحل نیاز دارد. این کشورها زیرمجموعه هر مرحله از توسعه را درک کرده‌اند. کلید قضیه اینجاست که باید ذیل‌های هر یک از مراحل توسعه را درک کنیم. در این رابطه ۵ مرحله جامعه ابتدایی، جامعه توسعه نیافته، جامعه در حال توسعه، جامعه توسعه یافته و جامعه پسا صنعتی و پیشرفته تعریف شده است. عنصر اصلی جامعه ابتدایی شکاری، کار بوده است. در مرحله دوم، جامعه توسعه نیافته قرار دارد که عنصر اصلی آن زراعت و تقسیم محصول است. در این بخش عنصر کار وجود داشته و زمین به آن اضافه شده است. در مرحله سوم، جامعه در حال توسعه است که کار و زمین جزو عناصر آن بوده و سرمایه هم به آن اضافه شده است. مرحله چهارم، جامعه صنعتی است که عناصر مرحله قبلی را دارد و کارآفرین نوآور هم دارد. انرژی اولیه توسعه یافتگی در حقیقت کارآفرینان بودند. در تمام کشورهایی که عنوان شد، در درجه اول به کارآفرینان توجه شده است. در مرحله بعدی باید از این کارآفرینان حمایت شود، برای آنها ظرفیت‌سازی لازم صورت گیرد و در نهایت نظارت وجود داشته باشد. این سوال مطرح می‌شود که کارآفرین نوآور چه چیزی را وارد کشور می‌کند؟ این همان نکته‌ی است که ما در آن دچار ضعف هستیم و نمی‌توانیم به اقتصاد دانش‌بنیان برسیم. وقتی یک کالا برای نخستین بار توسط کارآفرین نوآور وارد کشور می‌شود، باید سازماندهی داشته باشد. اگر این سازماندهی تکثیر افقی شود، اثر آن از بین خواهد رفت. اما متأسفانه چیزی که در ایران به صورت مکرر مشاهده می‌شود، کپی‌های متعدد از یک ایده اصلی است. آیا تا به حال به این فکر کرده‌ایم که چرا نمی‌توانیم در کشور یک مگا پروژه را اجرا کنیم؟ به این دلیل ما تکثیر افقی کرده‌ایم و یاد نگرفته‌ایم که سازماندهی‌های متعدد چگونه است. سازماندهی یک دانش ضمنی است که باید روی هم جمع شود تا بتوانیم مگا پروژه‌ها را اجرا کنیم. در حقیقت ضعف اصلی این است که ما کارآفرین نوآور در کشور نداریم. در سال ۱۳۳۸ که کشور با بیچارگی ارزی مواجه بوده، ۶۵ کارخانه نساجی در کشور تاسیس شده است. در همین زمان ۱۲۰ کارخانه یخ احداث شده است. این در حالی است که باید از خرد مقیاس بودن خارج شویم و به کارآفرین نوآور کمک کنیم تا بزرگ مقیاس شود و تکثیر افقی هم نباید انجام دهیم. علاوه بر کارآفرین نوآور، چیزی که یک جامعه توسعه یافته احتیاج دارد، اطلاعات است. با این حال متأسفانه فقر آماری را می‌توان به خوبی در ایران دید. وقتی کشورهایی همچون کره جنوبی را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم کارآفرین نوآور نیاز به دیدگاه و محاسبات آماری دارد. در همین جا، نکته مهم دیگر این است که دولت‌ها مستقل از ذی‌نفعان عمل کنند. وقتی کره جنوبی برنامه اول توسعه خود را شروع کرد کارآفرینان را محور اصلی قرار داد. از ۷ هزار شرکت، ۱۶۰۰ شرکت را نگه داشت و در ادامه آن را هم به ۶۰۰ شرکت رساند این در حالی بود که اقتصاد کره جنوبی یک اقتصاد بازار به تمام معناست اما دولت در این زمینه دخالت می‌کند چون باید حافظ کارآفرینان باشد. بنابراین دولت در راستای حمایت از کارآفرین نوآور در بالاترین سطح مستقل از ذی‌نفعان عمل می‌کند. این در حالی است که دولت‌های ما نتوانسته‌اند مستقل از ذی‌نفعان باشند. به عنوان یک مثال عینی در مورد خودروهای قاچاق دیدیم که مقام معظم رهبری گفتند آتش بزنید اما عده‌ی می‌گویند آنها را بفروشیم.

محدودیت اطلاعاتی به بهانه‌های پوپولیستی

نکته مهم دیگر که در بررسی جوامع توسعه یافته باید به آن توجه کرد، خلق داده است چون بدون داده نمی‌توان کارآفرینی کرد. پایه دولت الکترونیک کره جنوبی در سال ۱۹۶۱ میلادی گذاشته شده است. این در حالی است که ما همچنان فقر آماری داریم و این فقر آماری را تحت عناوین پوپولیستی همچون حریم شخصی توجیه می‌کنیم.

متاسفانه اطلاعات در ایران انتشار داده نمی‌شود و با چشم بسته هم نمی‌توان کارآفرینی کرد. اهمیت خلق داده بسیار بالاست چراکه بعد از این مرحله است که اقتصاد مقیاس را درک می‌کنیم. به عنوان تبعات منفی بی‌توجهی به این مرحله می‌توان چند مثال ساده زد. آیا ۴۸۵ کارخانه رب گوجه می‌تواند در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کند؟ خیر چون در این مورد تنها تکثیر افقی انجام شده است. این درحالی است که از تحقیق و توسعه است که فناوری زایش می‌کند. زایش فناوری هم در جامعه توسعه یافته میسر می‌شود که عناصر آن کار، زمین، سرمایه، کارآفرین نوآور، اطلاعات، تحقیق و توسعه و فناوری است.

آخرین مرحله توسعه که اختلاف میان جامعه پسا صنعتی و پیشرفته و جامعه توسعه یافته را تعیین می‌کند، دانش است. رسیدن به مرحله جامعه پسا صنعتی و پیشرفته که در حال حاضر کره جنوبی در این مرحله قرار دارد، نیازمند طی کردن ۵ مرحله‌ی است که به تفکیک عنوان شد. اگر این مراحل طی نشود، تمام تلاش‌ها بی‌مایه باقی می‌ماند. در این مراحل است که نیازها شناخته می‌شود و مسیر تکامل طی می‌شود.

حال این سوال ایجاد می‌شود که وقتی مراحل اول را طی نکرده‌ایم، ایجاد دانش به چه سرانجامی می‌رسد؟ باید این‌گونه پاسخ داد که تا وقتی تمام مراحل پیشین طی نشود، نمی‌توان به خلق دانش دست یافت، به همین دلیل است که می‌بینیم منابع مصرف می‌شود اما تنها جزیره‌ها و جرقه‌های جدا افتاده‌ی ایجاد می‌شود که نمی‌تواند در یک مقیاس قرار گیرد و تجاری‌سازی شود. در حقیقت منظور از فناوری در آخرین مرحله توسعه یعنی در یک جامعه پسا صنعتی و پیشرفته، انباشته شدن دانش‌های ماست. چون در مراحل قبلی هم اعم از سرمایه، زمین و... هم باید دانش داشته باشیم. در حقیقت منظور از دانش در این مرحله، انباشت دانش است.